

نویسنده: پاول آر پیلر «Paul R Pillar» .
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2024-09-29»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

برای سربریدن : یک تروریست دیگر را پیدا کنید

Cut off the head, get another 'terrorist'

به نظر می رسد اسرائیل فراموش کرده است که نصرالله نسخه مؤثرتری از
آخرین رهبر حزب الله بود که در سال 1992 ترور کرد.

*Israel seems to forget that Nasrallah was a more effective
version of the last Hezbollah leader it assassinated in 1992*



فوری ترین و مشهودترین پیامدهای حمله سریع اسرائیل به لبنان در خود لبنان احساس می شود.

همانند ویرانی یک ساله اسرائیل در نوار غزه، عملیات نظامی اسرائیل جان بسیاری از غیرنظامیان را گرفته است به گفته وزارت بهداشت لبنان، بیش از (1000) نفر از جمله حداقل «87» کودک در جریان این عملیات ها در دو هفته گذشته کشته شده اند. و بیش از (90000) نفر از خانه های خود آواره شده اند.

با حملات رژیم صهیونیستی به جنوب بیروت که منجر به کشته شدن حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله شد، تعداد کشته ها به شدت افزایش یافت. آن حملات، به محله ای پرجمعیت، چندین ساختمان مسکونی را با خاک یکسان کرد.

بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، می گوید جنگ اسرائیل با حزب الله است، نه لبنان، اما لبنان از این جنگ رنج می برد. حتی قبل از حملات اخیر، لبنان در یک بحران اقتصادی عمیق قرار داشت. بحران سیاسی همراه آن با تلاش برای از بین بردن سازمانی که یکی از احزاب سیاسی اصلی لبنان است که وزیران دولت و قانونگذاران در پارلمان دارد و عضو ائتلاف هایی از جمله مسیحیان و دیگران بوده است، بهتر نخواهد شد.

حمله اسرائیل، از جمله کشتن نصرالله، توانایی، و قطعاً تمایل عناصر لبنان را برای پاسخ قاطعانه به اقدامات اسرائیل از بین خواهد برد. عملیات اسرائیل - مانند عملیات علیه حماس - مبتنی بر این منطق نادرست است که تهدید به خشونت علیه اسرائیل از ماهیت بد گروه های خاصی سرچشمه می گیرد و بنا بر این تنها پاسخ مناسب کشتن تعداد زیادی از اعضا و ترجیحاً رهبران آن گروه ها است. همانطور که می تواند.

محرک اصلی خشونت ضد اسرائیلی خشم نسبت به اقدامات خود اسرائیل است. این به ماهیت یا حتی وجود گروه خاصی بستگی ندارد. همانطور که تاریخ طولانی درگیری اسرائیل با فلسطینی ها نشان می دهد، اگر هر یک از گروه های مقاومت مورد ضرب و شتم قرار گیرد یا بی ربط محو شود، خشم و میل به حمله مجدد کانال های دیگری پیدا می کند.

لازم به یادآوری است که تأسیس حزب الله و افزایش سریع قدرت در اوایل دهه 1980 مدیون خشم گسترده نسبت به حمله قبلی اسرائیل به لبنان بود - تهاجم تمام عیار در سال 1982 که در کنار سایر زشتی ها، قتل عام در صبرا و شتیلا را به نمایش گذاشت. اردوگاه های پناهندگان حزب الله با معرفی خود به عنوان مدافع اصلی لبنانی ها در برابر غارت های اسرائیل، حمایت مردمی زیادی را به دست آورد.

اسرائیل سابقه سر بریدن حزب الله را دارد و این رویکرد برای اسرائیل خوب پیش رفت. در سال 1992، از حمله هلیکوپترها برای کشتن عباس الموسوی، دبیرکل حزب الله در آن زمان استفاده کرد. مهم‌ترین تأثیر در لبنان با ز کردن موقعیت برای نصرالله بود که نشان داد رهبر گروه مؤثرتر از موسوی است.

تاریخچه اضافی مربوط به نوع خشونت‌هایی که احتمالاً در نبردهای کنونی رشد خواهد کرد، شامل دو بمب گذاری مرگبار در بوئنوس آیرس است که هر کدام احتمالاً انتقامی برای حملات اسرائیل به منافع شیعیان لبنان در خاور میانه بوده است. در مارس 1992، یک کامیون بمب گذاری شده با یک راننده انتحاری در جلوی سفارت اسرائیل منفجر شد و 29 کشته و 242 زخمی برجای گذاشت. برعهده گرفتن مسئولیت توسط سازمان جهاد اسلامی - که به طور گسترده ای به عنوان نام پوششی حزب الله شناخته می شود - بیان کرد که این حمله اعلام شد. انتقامی برای قتل موسوی در ماه قبل بود.

در ماه مه 1994، کماندوهای اسرائیلی، رهبر چریک‌های شیعه لبنان، مصطفی دیرانی را ربودند و همزمان به اردوگاه حزب الله در جنوب لبنان یورش بردند. دو ماه بعد، یک بمب گذاری انتحاری با کامیون در مرکز جامعه یهودیان در بوئنوس آیرس، 85 کشته و بیش از 300 زخمی برجای گذاشت. همان‌طور که گزارش رسمی اسرائیل بعداً اذعان کرد، این حمله ممکن است بازپرداخت عملیات اسرائیل در لبنان بوده باشد.

حملات اخیر اسرائیل در لبنان - به ویژه قتل نصرالله - به حزب الله حداقل انگیزه ای می دهد که در دهه 1990 برای مقابله به مثل داشت. صرف نظر از اینکه حملات اسرائیل تا چه اندازه توانایی حزب الله را برای مبارزه با یک جنگ متعارف در شام تضعیف کرده است، احتمالاً ظرفیت آن برای عملیات‌های نامنظم در جاهای دیگر کاهش نیافته است. احتمال انتقامجویی تروریستی علیه اهداف نرم مرتبط با اسرائیل در چند ماه آینده زیاد است.

اگر چنین حمله‌ای رخ دهد، واکنش ناظران خارجی، به ویژه در ایالات متحده، احتمالاً چیزی شبیه به «حزب الله یک گروه تروریستی است و این همان کاری است که گروه‌های تروریستی انجام می‌دهند» را شامل می‌شود. چنین پاسخی به جای اینکه به عنوان تاکتیکی که گروه‌ها و ملت‌های مختلف برای مقاصد مختلف از آن استفاده کرده‌اند، اشتباه نگاه کردن به تروریسم را به عنوان یک گروه ثابت از افراد شرور تداوم بخشد. این اشتباه درک ماهیت درگیری بین اسرائیل و حزب الله و علل اساسی آن را مختل می کند.

اسرائیل مدت‌هاست که از تاکتیک‌های تروریستی در این درگیری استفاده کرده است، از جمله بمب‌گذاری در خودروها و دیگر ترورهای مخفیانه یا استفاده اخیر از پیجرهای مجهز به مواد منفجره به این رکورد افزود. عدم امکان کنترل اینکه چه کسی با انفجار هزاران دستگاه از راه دور قربانی می‌شود، در کنار ماهیت مخفیانه این عملیات، آن را

کاملاً به عنوان یک حمله تروریستی توصیف می‌کند. اینکه هدف اصلی، اعضای حزب‌الله بودند، این صلاحیت را حذف نمی‌کند، تا حدی به این دلیل که عضویت در حزب‌الله - یک سازمان چندوجهی سیاسی و همچنین شبه نظامی - با یک رزمنده درگیر در مبارزه با اسرائیل یکسان نیست.

حتی تا آنجایی که جنگجویان واقعی درگیر بودند، یک مقایسه مفید با مرگبارترین حمله حزب‌الله علیه منافع ایالات متحده است: بمب‌گذاری انتحاری با کامیون در پادگان تفنگداران دریایی در بیروت در اکتبر 1983، که در آن 241 پرسنل ارتش آمریکا جان باختند. اکثریت قریب به اتفاق آمریکایی‌ها آن حادثه را تروریسم می‌دانند، علی‌رغم اظهار نظر طرفدارانی که می‌گویند چون قربانیان پرسنل نظامی در اعزامی خارج از کشور بودند، این رویداد را باید جنگ تلقی کرد. اگر بمباران پادگان تفنگداران دریایی تروریسم است، پس عملیات پیجر اسرائیل نیز قطعاً همینطور است، با توجه به اینکه اهداف حتی در یک مأموریت نظامی خارجی نبودند، بلکه عمدتاً در خانه‌ها، مشاغل یا محله‌های خودشان بودند که دستگاه‌ها منفجر شدند.

حتی اساسی‌تر از نکات ظریف در مورد چگونگی تعریف تروریسم، الگوی گسترده‌تر خشونت سیاسی است که باعث رنج بردن افراد بی‌گناه می‌شود. صرف نظر از اینکه خشونت توسط F-16ها اعمال می‌شود یا توسط کامیون‌های بمب‌گذاری شده، رنج به همان اندازه بد است و مسائل اخلاقی مربوطه اساساً یکسان است. اگر اسرائیل از یک روش برای اعمال چنین خشونت‌هایی استفاده می‌کند - و بسیار بیشتر از آن چیزی است که دشمنانش به آن تحمیل کرده‌اند - در حالی که حزب‌الله از روش متفاوتی استفاده می‌کند، این تفاوت به جای هر گونه تمایز اخلاقی یا سیاسی مرتبط، نشان دهنده توانایی‌های موجود هر طرف است.

سیاستگذاران ایالات متحده باید در مورد همه اینها، به ویژه چشم انداز تلافی جویانه تروریستی، فکر کنند، زیرا آنها پاسخ خود را به تشدید جنگ در لبنان شکل می‌دهند. آنها همچنین باید در مورد خطرات تبدیل شدن دوباره ایالات متحده به هدف خود تروریسم فکر کنند. حزب‌الله به دنبال تلافی علیه اسرائیل خواهد بود، اما با توجه به اینکه ایالات متحده در حال حاضر به دلیل ارتباطش با تخریب غزه توسط اسرائیل، بیشتر به یک هدف بالقوه تبدیل شده است، این خطر تا حدی افزایش خواهد یافت که به خود اجازه می‌دهد با اسرائیل مرتبط شود.

حمله اسرائیل به لبنان حمله‌ای که منجر به کشته شدن نصرالله شد، یکی دیگر از یک سری اقدامات طولانی اسرائیل بود که حتی بدون اطلاع ایالات متحده انجام شد، چه رسد به در نظر گرفتن دیدگاه‌های ایالات متحده. اما حمایت بی‌قید و شرطی که ایالات متحده با این وجود از اسرائیل می‌کند، به ویژه از جمله مهمات‌هایی که اسرائیل در حملات

مرگبار خود استفاده می‌کند، ایالات متحده را نیز از نظر جهانیان مسئول تلفات و رنج‌های ناشی از آن می‌داند .

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

پاول آر پیلار، عضو ارشد غیر مقیم در مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه جورج تاون و عضو غیرمقیم موسسه Quincy for Responsible Statec است .



پاول آر پیلار

----- **با تقدیم احترامات «2024-10-01»**

